

بسم الله الرحمن الرحيم

شرافت امت را نمی‌توان به واشنگتن گرو گذاشت

(ترجمه)

خبر:

از ترامپ پرسیده شد: «آیا می‌خواهید ترکیه در عملیات انتقام‌جویانه بر یمن شرکت کند؟» او در پاسخ گفت: «می‌توانم این کار را انجام دهم. چنان‌که می‌دانید، اردوغان دوست عزیز من است. من برای رئیس‌جمهور ترکیه احترام زیادی قائلم. معتقدم که رئیس‌جمهور اردوغان هر کاری را که از او بخواهم، انجام خواهد داد. من برای او احترام زیادی قائلم.» (خبرگزاری‌ها، ۱۳ اکتوبر ۲۰۲۶)

تبصره:

ذهنیت استعماری غرب وحشی، دلیل قاطعی بر این واقعیت است که این قدرت‌ها نه در گذشته از تکبر و سلطه‌جویی خود در برابر سرزمین‌های اسلامی دست کشیده‌اند و نه در آینده دست خواهند کشید. آنان سرزمین‌های اسلامی را میدان‌هایی برای پیشبرد محاسبات سودجویانه، هرچند زیان‌بار و تحقق‌بلندپروازی‌های ژئوپلیتیکی خود می‌دانند.

تلاش‌های امریکا برای بازسازی و تغییر خاورمیانه، از طریق سیاست‌هایی که به‌وسیله نیروهای نیابتی اجرا می‌شوند، همچنان ادامه دارد. بلکه اکنون این سیاست‌ها آشکارتر از گذشته، به‌وسیله خود دولت‌های منطقه عملی می‌شوند. اما دولت‌هایی که به این روند نمی‌پیوندند، یا در اجرای سیاست‌های امریکا کندی می‌کنند، از سوی دولت‌هایی مجازات می‌شوند که نقش برادر بزرگتر منطقه به آنان واگذار شده است.

در چنین زمینه‌ای، سخن متکبرانۀ ترامپ که می‌گوید: «اردوغان در مورد حوثی‌ها هر کاری را که من بخواهم، انجام خواهد داد»، صرفاً بی‌ادبی دیپلماتیک یا سخنی نسنجیده نیست؛ بلکه جلوه‌ای از تکبر ریشه‌دار و ذهنیت استعماری است که از طریق حکام، تمام مسلمانان را هدف قرار می‌دهد. این سخن همچنین بیانگر عادت مراکز قدرت جهانی در برخورد با سرزمین‌های اسلامی و حکام آن‌ها به‌عنوان ابزارهایی برای تحقق اهداف استراتژیک خود است.

تجربه‌های عراق، لیبیا و سوریه نمونه‌های عینی این واقعیت‌اند. آنان با استفاده از فرزندان مسلمانان، گاهی زیر پرچم پیمان ناتو و گاهی زیر شعارهای امنیت منطقه‌ای، اهداف مورد نظر خود را به بهای زیان امت اسلامی و با استفاده از فرزندان همین امت تحقق می‌بخشند. رفتار حکامی که با هموار ساختن راه برای چنین روندی، ارتش‌های امت را به خدمت‌گزاران فرمان‌بردار این ستمگران تبدیل می‌کنند، نه‌تنها جلوه‌ای از کوتاه‌نظری سیاسی است، بلکه نشان‌دهنده رابطه‌ای از نوع رابطه ارباب و برده نیز می‌باشد.

در بیانیه اردوغان پس از نشست کابینه، دو روز پیش چنین آمده بود: «ما حملاتی را که حوثی‌ها در دهم اکتوبر انجام دادند و میدان هوایی بین‌المللی ملک خالد در ریاض را هدف قرار دادند، با شدیدترین عبارات ممکن محکوم می‌کنیم. ترکیه در برابر این حملات غیرقانونی و غیرانسانی، در کنار عربستان سعودی و برادران سعودی خود ایستاده است.»

این بیانیه زمانی اهمیت بسیار زیادی پیدا می‌کند که آن را مشخصاً در چارچوب توافق‌نامه دفاع مشترک مورد بررسی قرار دهیم. با توجه به این‌که ترامپ طراح این توافق‌نامه بوده است و با وجود سال‌ها حملات عربستان سعودی در یمن و ویرانی‌هایی که این حملات به بار آورده‌اند، نتیجه مورد انتظار به دست نیامده است، روشن می‌شود که دولت‌های مختلف، به‌ویژه ترکیه و پاکستان، در چارچوب محاسبات امریکا در زمینه امنیت انرژی و ژئوپلیتیک، به‌عنوان نیروهای نیابتی به کار گرفته می‌شوند تا به این روند کشانده شوند.

اردوغان در بیانیه‌ای در سال ۲۰۱۹ گفته بود: «چه کسی یمن را به این وضعیت رسانده است؟ اکنون وضعیت یمن چگونه است؟ آیا ده‌ها هزار نفر در یمن جان نباخته‌اند؟ ای عربستان سعودی، نخست در این مورد توضیح بده. یمن در فقر شدید و ویرانی غرق شده است.»

پس از آن زمان تا امروز، چه چیزی تغییر کرده است؟! این همان نقطه‌ای است که سیاست شرم‌آوری که در مدار قدرت مسلط جریان دارد، به آن رسیده است؛ و این همان شکلی است که به خود گرفته است. روشن‌ترین دلیل این سیاست آن است که دیگر هیچ ارزشی وجود ندارد که مانع شود آنچه را دیروز به‌اشتباه می‌نامیدند، امروز درست بنامند؛ یا آنچه را دیروز سفید می‌خواندند، امروز سیاه بنامند!

در حالی که الله سبحانه و تعالی مؤمنان را صراحتاً از انتخاب کافران و متکبران به‌عنوان هم‌پیمان و تصمیم‌گیرنده نهی کرده است، پذیرفتنی نیست که رهبران مسلمانان سیاست‌های خود را مطابق خواسته‌ها، تهدیدها یا وعده‌های واشنگتن، لندن یا تل‌آویو تنظیم کنند. جایز نیست شرافت امت اسلامی به رحمت این کافران ستمگر وابسته ساخته شود و نه هم می‌توان آن را در گرو منافع آنان قرار داد. امور ما تنها بر اساس فرمان‌های الله سبحانه و تعالی قابل تنظیم است؛ فرمان‌هایی که منافع امت، شرافت ستمدیدگان و کرامت آنان را تأمین و پاسداری می‌کنند.

این‌که یک حاکم کافر غربی بگوید: «من هر کاری را که بخواهم، انجام خواهم داد» و حاکم یک سرزمین اسلامی را مجری فرمان‌های خود بداند، با شرافت اسلام در تضاد است. همه می‌دانند که فشار غرب بر حوثی‌ها نه به این دلیل است که می‌خواهد برای مردم یمن صلح و برای منطقه ثبات را تضمین کند، بلکه بیش از هر چیز ناشی از نگرانی آن دربارهٔ حفاظت از مسیرهای تجارت جهانی خود و امنیت رژیم غاصب در منطقه است.

گام‌هایی که در مورد حوثی‌ها یا دیگر مسائل منطقه ما برداشته می‌شوند، نباید بر اساس دستورهای غرب کافر تعیین گردند؛ بلکه باید خود مسلمانان، در چارچوب احکام شریعت اسلامی و بر بنیاد اصول عدالت، وحدت و رحمت، در مورد آن‌ها تصمیم بگیرند.

مسلمانان باید احکام اسلام را مسئله‌ای مرگ‌و‌زندگی بدانند و به هیچ چیزی غیر از آن رضایت ندهند. همچنین باید درک کنند که راهی جز برپایی خلافت نداریم؛ نظام حکومتی‌ای که این احکام را به اجرا خواهد گذاشت.

با چنین دیدگاهی و با اراده‌ی صادقانه برای عملی ساختن آن، می‌توانیم از نیرنگ‌های کافران متکبر و سلطهٔ رهبران خائنی که در این توطئه‌ها سهم می‌گیرند، رهایی یابیم.

این است رهایی واقعی و امید است که به‌زودی فرا برسد!

نویسنده: احمد سابا

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

مترجم: عبدالرحمن مستنصر